



نشانه‌شناسی اجتماعی غزلی از خواجهی کرمانی بر اساس نظریه چندلر

فرزانه ودیعه

دانشجوی کارشناسی ارشد واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

فرهاد طهماسبی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

ساره زیرک

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

نشانه‌شناسی اجتماعی در مقام روشی برای خوانش متون ادبی، وارد عملکرد فرایندهای پردازشی نشانه‌ها و چگونگی خلق معنی می‌شود. در این روش هم صاحب اثر هم خوانشگر آن مبتنی بر اندوخته‌های ذهنی و تجربیات زندگی خود، در فرایندهای خلق معانی حضور می‌یابند. در این پژوهش غزلی از خواجهی کرمانی با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی و به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. رویکرد نظری به کار گرفته شده مبتنی بر نظریات دنیل چندلر است که بر اساس آن

به تجزیه و تحلیل چگونگی کنش‌های رمزگان اجتماعی و متنی و تفسیری حاضر در غزل، پرداخته شده است. بستر عملکرد رمزگان اجتماعی در این غزل، رمزگان زیبایی‌شناختی از شمار رمزگان متنی است که در آن‌ها خواجه با بهره‌گیری از احضار گفتمان‌های متفاوت، رمزگان تفسیری را نیز در فرایندهای معنا پردازی سهیم کرده است. آنچه به‌عنوان دستاورد و نتیجه‌ی چنین پژوهشی دارای اهمیت است، دستیابی به شیوه‌ی راهبردی جهت خوانش متون است که در آن با تمرکز بر فرایندهای پردازشی نشانه‌ها و چگونگی خلق معنا، می‌توان به لایه‌های غایب و خاموش متن دست یافت.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، رمزگان، رمزگان اجتماعی، رمزگان متنی، رمزگان تفسیری.

۱-۱. مقدمه

امروزه تمامی متون برخاسته از تفکرات آدمی، هرچند نموده‌های متفاوتی دارند، اما دارای یک شاخصه مشترک‌اند و آن زبان است که ابزار بازنمایی سوژه‌های ذهنی و انتزاعی است. آثار ادبی و هنرهای مختلف انسانی در چهارچوب ابزارها و قابلیت‌ها و ویژگی‌های خود، متونی قلمداد می‌شوند که همواره مرجع نقد و تحلیل و دریافت عناصر زبانی خود واقع شده‌اند. بیش از یک قرن است که در دریافت معانی و انتقال پیام‌های متنی، تحلیل درون-مایه‌ها، جای خود را به تحلیل چهارچوب‌های زبانی داده است و زبان‌شناختی تحلیل متون، با رویکردهای متفاوتی، وارد عرصه‌های علوم انسانی شده است. از میان رویکردهای مختلف، نشانه‌شناسی، جامعیت و فراگیرندگی منحصر به خود را دارد که جایگاه ویژه‌ای به آن بخشیده است و همپای دگرگونی‌های آرای ساختارگرایان و پس‌اساختارگرایان پیش آمده است. نشانه‌شناسی در مقام روش خوانش متن، در رویکردهای متفاوت نقد، جریان یافته است و روش‌های کاربردی در اختیار منتقدین قرار می‌دهد. از شاخه‌های علم نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی اجتماعی است که در بستر اجتماع، فرهنگ و تاریخ به خوانش متون و تحلیل آن‌ها می‌پردازد و در نهایت لایه‌های پنهانی معنا را کشف و استخراج می‌کند. به کارگیری شیوه‌ی نشانه‌شناسی اجتماعی برای بررسی متون کلاسیک فارسی، شیوه‌ای مؤثر و کاربردی است که در آن علاوه

بر کشف لایه‌های پنهان معنایی می‌توان به اوضاع اجتماعی و تاریخی و فرهنگی حاکم بر مقطع زمانی خاص آن اثر نیز دست یافت.

براین اساس، در این پژوهش سعی بر آن است تا با پرداختن به چگونگی تعاملات و فرایندهای نشانه‌پردازی در غزلی از خواجوی کرمانی، کنش‌های رمزگانی که به خلق معنا می‌انجامد، بررسی شوند و شیوه‌ی راهبردی نوینی در خوانش و تحلیل متون ارائه شود. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری انجام شده است. همچنین روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی تحلیلی است و نتایج به روش استقرایی از متن استخراج شده است.

۲-۱. پیشینه

مرتضی بابک معین (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نشانه‌شناسی اجتماعی و پدیده‌های امنیت و عدم امنیت نشانه‌ای» به مسئله هنجارها و رمزگان‌های نشانه‌ای پرداخته و معتقد است که به کارگیری نوع نشانه‌ها و رمزگانی که افراد مورد استفاده قرار می‌دهند، تعلق آن‌ها را به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند نشان می‌دهد. این تعلق به شکل ایجابی و سلبی موقعیت افراد را در جامعه تعریف می‌کند.

شیوا سیف‌الدینی خالقی و عیسی چراتی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان بازنمایی عوامل اجتماعی در اندیشه خواجوی کرمانی، به شکل کلان و خرد عوامل اجتماعی را که بر تفکرات خواجو مؤثر بوده است را بررسی کرده‌اند.

۲-۱. نشانه‌شناسی و تحولات آن

تمام پدیده‌های جهان نشانه‌اند نشانه‌شناسی، دانش درک پدیده‌های جهان است. دریافت معنای نشانه‌ها، نیازمند شناخت است و این شناخت بر اساس رابطه‌ای قراردادی و از پیش تعیین شده حاصل می‌شود. کاربران، به‌مرور زمان، روابط قراردادی نظام‌های نشانه‌ای را می‌آموزند و از آن‌پس در مواجهه با هر نظام نشانه‌ای فراگرفته‌ای، معنای آن را درک خواهند کرد. در میان نظام‌های نشانه‌ای، زبان پیچیده‌ترین، مهم‌ترین و فراگیری‌ترین نوع نظام است.

نظریه‌های علم نشانه‌شناسی بر مبنای سنت‌های اروپایی و آمریکایی و روسی شکل گرفت. بنیان‌گذاران نظری اروپایی دو زبان‌شناس سوئیسی (فردینان دو سوسور) و دانمارکی (لویی یلمسلف) بودند که بعدها نشانه‌معناشناسی گفتمانی بر اساس نظریات آنان بنا شد. سنت دوم را فیلسوف و زبان‌شناس آمریکایی پی‌یرس بنا نهاد و نگاهی متفاوت از سوسور به مقوله نشانه‌شناسی داشت و با برجستگی تأثیر زاویه دید انسانی برای هر نشانه‌ای، مدل‌هایی بی-نهایت باز قایل بود.

سنت سوم که در روسیه شکل گرفت، مبتنی بر نقد ادبی است که بعدها ولادیمیر پراب آن را اساس نشانه‌شناسی روایت قرارداد و گرمس آن را به یک روش‌شناسی روایی منسجم ارتقاء داد. همچنین سنت روسی به دلیل مطالعات لوتمان در موضوع سمیوسفر یا سپهرنشانه‌ای، دارای اهمیت است (شعیری، ۱۳۹۵: ۳-۱).

در نشانه‌شناسی رابطه هم‌زمانی نشانه‌ها مهم است و اهمیت هر نشانه در تمایز و تفاوت با دیگر نشانه‌ها قوت می‌گیرد. لذا هر نشانه به تنهایی و منفرد، ارزش درونی و ماهوی ندارد و در انتخاب و هم‌نشینی با دیگر عناصر است که وارد یک تعامل ساختارمند می‌شود و ارزش معنایی پیدا می‌کند. دال یا نشان ملموسی که در گفتار یا نوشتار به کار می‌آید مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند که مدل‌ل است و این رابطه قراردادی است. دال، مدل‌ولی را احضار می‌کند و این حضور هم‌زمان دال و مدل‌ول، نشانه را می‌سازد. این رابطه ساختارمند در تولید معنای متن هم دخیل است. متن بازنمونی از واقعیت بیرون است، نه تقلیدی از آن. واقعیتی، رمزگذاری شده است. رمزهایی که برای گروه‌های انسانی قابل‌شناسایی است. ساختارگرایان معتقدند، ساختارهای رمزی، واسطه‌ی میان ما و واقعیت‌ها هستند و درون این ساختار رمزی است که نشانه‌ها باهم ارتباط دارند و نظام دلالتی را شکل می‌دهند که منجر به تولید معنا می‌شود؛ بنابراین نشانه‌شناسی را می‌توان روش خوانش متن قلمداد کرد (نجومیان، ۱۳۹۶: ۹-۸). در رویکرد ساختارگرایانه، زبان نظام نشانه‌ای ساختارمندی است که در آن تحلیل واحدهای نشانه‌ای، نه به‌طور منفرد و مستقل بلکه در ارتباط با نشانه‌های دیگر و در چهارچوب

ساختاری نظام انجام می‌گیرد. در رویکرد ساختارگرا، تحلیل زبان، در یک برش زمانی صورت می‌گیرد و به عبارتی کنشی هم‌زمانی است. عملکرد نظام دلالتی زبان سبب می‌شود تا معنا، نه در ارجاع به جهان بیرونی بلکه در تفاوت و تمایز میان عناصر خلق شود. ساختارگرایی در مطالعات متون، به دنبال معنای پنهان و نهفته در متن نیست. بلکه در پی آشکارسازی روابط میان عناصر متنی است تا چگونگی تولید معنای متن را شرح دهد. آثار ادبی، رفتارهای انسانی و پدیده‌های اجتماعی به مثابه‌ی متن‌هایی هستند که برای تحلیل باید آن‌ها را در ارتباط با نظام‌های نشانه‌ای مشابه بررسی کرد و بر اساس این ارتباطات در ساختارهای نظام‌مند نشانه‌ای به تحلیل آن‌ها پرداخت. لذا رویکرد ساختارگرایانه را می‌توان به تمام حوزه‌های مرتبط با علوم انسانی تعمیم داد و در چهارچوب آن، این علوم را مورد مطالعه و بررسی قرارداد (نجومیان، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۳).

اما پس‌اساختارگرایان با وجود اعتقاد به نظام دلالتی، معنای متن را همواره در تعلیق و تعویق می‌بینند و دال‌ها هرگز به مدلول‌های نهایی نمی‌رسند و حرکت از دالی به دال دیگر ادامه می‌یابد. لذا متن، بسته و بامعنای صریح و قطعی نیست و همواره با زایش معانی جدید همراه است؛ بنابراین یک متن قادر است در بافت‌های اجتماعی متفاوت در تاریخ‌های متفاوت، معناهای متفاوت را ایجاد کند. با این دیدگاه (پس‌اساختارگرایانه) نشانه‌شناسی می‌تواند در رویکردهای مختلف نقد به‌عنوان روشی برای خوانش متن به کار گرفته شود. رویکرد ساختارگرایانه پس از چهار دهه تسلط بر تمامی حوزه‌های بشری، در دهه شصت میلادی توسط چند متفکر فرانسوی به چالش کشیده شد. فرهنگ واژگانی پس‌اساختارگرایان، همان فرهنگ ساختارگرایان بود. آن‌ها واژگان زبان و گفتار، متن، دال و مدلول، هم‌زمانی و درزمانی را در تبیین دیدگاه‌هایشان به کار می‌بردند و حتی در این که واقعی، بیرون از نظام نشانه‌ای زبان وجود ندارد و فهم جهان معطوف به زبان است با ساختارگرایان همسو بودند اما اصول تفکر آنان را مورد نقد قرار دادند.

اساساً آن‌ها در وجود نظامی زیرساختی که محور و مرکز مهم متن باشد تردید دارند و معتقدند چنین نظام ایستا و توانمندی فقط زمانی می‌تواند وجود داشته باشد که دال و مدلول در رابطه‌ای طبیعی و ثابت، همواره دلالت واحدی داشته باشند و چنین رخدادی غیرممکن است؛ بنابراین نظام نشانه‌ای که همواره در معرض دلالت‌های متفاوت است، نمی‌تواند به معنایی قطعی و ثابت دست یابد. لذا همواره به تعلیق معنا در متن می‌انجامد. این دیدگاه متفاوت، ناشی از تعریف جدیدی است که پس‌اساختار‌گرایان از نشانه ارائه دادند. آن‌ها نشانه را «مادی، فرایندی و بینامتنی» معرفی کردند. همچنین تغییرپذیری و موقتی بودن ساختارها سبب می‌شود تا در بافت‌های متفاوت، معانی متفاوتی از یک متن حاصل شود. دیدگاه‌های متفاوت پس‌اساختار‌گرایی، به چهارچوبی نوین در نقد انجامید که در رویکردهای متفاوتی از خوانش متن مؤثر واقع شد. لذا نقدهایی مانند نقد فرهنگی، نقدهای جنسیتی و فمینیستی، نقد پسااستعماری و نقد گفتمانی در بستر پس‌اساختار‌گرایی به وجود آمدند (نجومیان، ۱۳۹۶: ۱۲).

۲-۲. نشانه‌شناسی اجتماعی

نشانه‌شناسی اجتماعی شاخه‌ای از علم نشانه‌شناسی است که منتقدین نظریه‌ی سوسور، آن را پایه‌گذاری کردند و در آن به فرایند تولید و پردازش نشانه و معنا در بستر اجتماع، فرهنگ و تاریخ پرداختند. کاربران نظام نشانه‌ای به مدد درک انسانی، دانش اکتسابی و درونی شده از جامعه‌ای که در آن بالیده‌اند، با به‌کارگیری منابع نشانه‌شناختی، برحسب نیازهایشان، نشانه‌ها را خلق و آن‌ها را وارد فرایندهای نشانه‌پردازی می‌کنند. به باور آن‌ها، نشانه‌ها ثابت و قطعی نیستند و مدام در حال تغییر و تحول‌اند و معنا‌سازی و نشانه‌پردازی در فرایندی پویا و سیال، صورت می‌گیرد.

از مفاهیم بنیادین نشانه، رمز است. نشانه‌ها به‌تنهایی فقط دارای معنی صریح و ثابت‌اند، اما متأثر از ارتباط با دیگر نشانه‌ها به شکلی پویا، معنا‌دار می‌شوند. برای نشانه‌ها در قلمرو رمزگان، چهارچوبی پدید می‌آید که آن‌ها را متأثر از نظام‌های معنا‌دار، تفسیرپذیر می‌کند. رمزگان

مجموعه‌ای از قراردادهایی با رویکردهای اجتماعی‌اند و کاربران آن با فرایند عملکرد آن‌ها آشنا هستند و نتیجه این فرایندهای مأنوس برای کاربران، کارکرد نظام دلالتی است که منجر به تولید معنا می‌شود (چندلر، ۱۳۹۴: ۲۲۲-۲۲۱). به گفته سجودی «رمزگان نوعی دانش انباشته و درعین حال پویای تاریخی است که ناگهان شکل نمی‌گیرد و ناگهان از میان نمی‌رود» (سجودی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). رمزگان هم در آفرینش و هم در خوانش متون، نقشی کنشگر و فعال دارند. انتخاب و ترکیب و هم‌نشینی رمزگان شناخته‌شده و قابل‌فهم، معانی و مفاهیم انتزاعی را به تحقق و عینیت درمی‌آورد و متن را می‌سازد. همچنین خوانشگر در ارجاع به رمزگان، متن را تفسیر می‌کند و معانی آن را درمی‌یابد. انتخاب رمزگان مناسب و کافی و بسنده ارتباط میان صاحب اثر و خوانشگر را سریع‌تر و صریح‌تر می‌کند. نجومیان گفته‌اند: «رمزگان، مجموعه‌ای از نشانه‌هایی است که میان گروهی از انسان‌ها توافق شده است» (نجومیان، ۱۳۹۴: ۱۷). دنیل چندلر محقق و نشانه‌شناس بریتانیایی معتقد است: «فهم رمزگان، روابط میان آن‌ها و بافتی که به آن تعلق دارند باعث می‌شود که تبدیل به عضو یک فرهنگ خاص شویم» (چندلر، ۱۳۹۴: ۲۲۲). چندلر در طبقه‌بندی جامعی رمزگان را به سه دسته‌ی اجتماعی، متنی و تفسیری تقسیم می‌کند:

- ۱- رمزگان اجتماعی: الف) زبان گفتاری (نحو، واژگان و ...) ب) زبان بدنی (تماس بدنی، مجاورت، جهت‌فیزیکی، وضع ظاهری، حالات چهره، نگاه، حرکات سرو بدن و ادواطوار) ج) کالایی (مد، لباس، ماشین) د) رفتاری (آداب و رسوم، تشریفات، ایفای نقش، بازی‌ها)
- ۲- رمزگان متنی: الف) ژانری و سبکی و فنون بلاغی و نوع و قالب‌های ادبی ب) علمی مانند زبان و ریاضیات

ج) رسانه‌های جمعی شامل رمزگان عکاسی و تلویزیونی و فیلمی و...

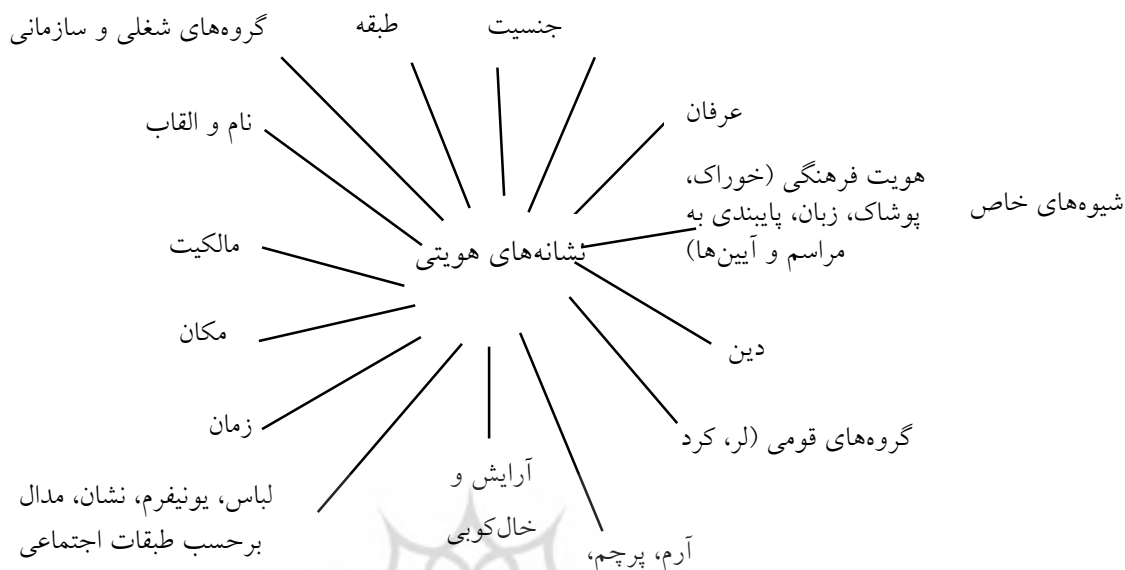
- ۳- رمزگان تفسیری: الف) رمزگان‌های ادراکی (مانند درک بصری) ب) رمزگان ایدئولوژیک (همان: ۲۲۴-۲۲۳)

در متون ادبی، با شبکه‌ی پیچیده‌ای از گونه‌های رمزگان مواجهیم که درهم‌تنیده‌اند و فرایندهای نشانگی را متأثر از عوامل اجتماعی، فرهنگی و تاریخی طی می‌کنند و جایگاه ظهور معنا می‌شوند. متن ادبی، عرصه‌ی حضور و ادای نقش انواع رمزگان است که شامل رمزگان اجتماعی و متنی و تفسیری می‌شود. هدف از نشانه‌شناسی متون ادبی، تفسیر آثار نیست، بلکه سعی بر آن است تا چگونگی عملکرد ساختار نظام‌مندی که بر متن حاکم است و فرایندهای نشانه‌پردازی که به تولید معنا می‌انجامد، در آن کشف شود. حضور نشانه‌های اجتماعی در متون ادبی، مبین تمایزهای اجتماعی در یک فرهنگ است. «تمایزهای اجتماعی را نه تنها از رمزگان زبانی بلکه از دسته‌ای از رمزگان غیر گفتاری هم می‌توان استنتاج نمود» (چندلر، ۱۳۹۴: ۲۳۰). نشانه‌های اجتماعی را می‌توانیم به سه دسته طبقه‌بندی کنیم:

الف) نشانه‌های هویتی

از مفاهیم کلیدی در جامعه‌شناسی، هویت است. در جوامع سنتی، ویژگی‌های انتسابی افراد اساس هویت اجتماعی آن‌هاست. از مجرای هویت اجتماعی است که فرد در جامعه، امکان ارتباطات اجتماعی را پیدا می‌کند و این ارتباطات معنادار می‌شود. در واقع ویژگی‌های انتسابی افراد، مبین کنش‌های آنان واقع می‌شود. این ویژگی‌ها می‌توانند تغییر کنند و متناسب با تغییرات، هویت افراد دچار تغییر و پویایی می‌شود. اما در جوامع مدرن، مبنای هویت اجتماعی، رفتارها و ویژگی‌های فردی اکتسابی است. لذا در شکل‌گیری ویژگی‌های اکتسابی و هویت اجتماعی، فرهنگ اهمیت دارد. فرهنگ در طول زمان و در فرایند اجتماعی شدن افراد، درونی می‌شود و جزئی از ارکان سازنده‌ی هویت اجتماعی آنان است. در متون ادبی هویت افراد به شکل نشانه‌های اجتماعی ظاهر می‌شوند و جایگاه و مواضع افراد را در بافت اجتماعی جامعه تبیین می‌کنند و مبین تقابل خود و دیگری‌های متن است و کنش‌ها و واکنش‌های آنان را تبیین می‌کند و این روند یاریگر فرایند معنا پردازی در متن می‌شود. نشانه‌های هویتی را می‌توان به صورت نمودار زیر نمایش داد:

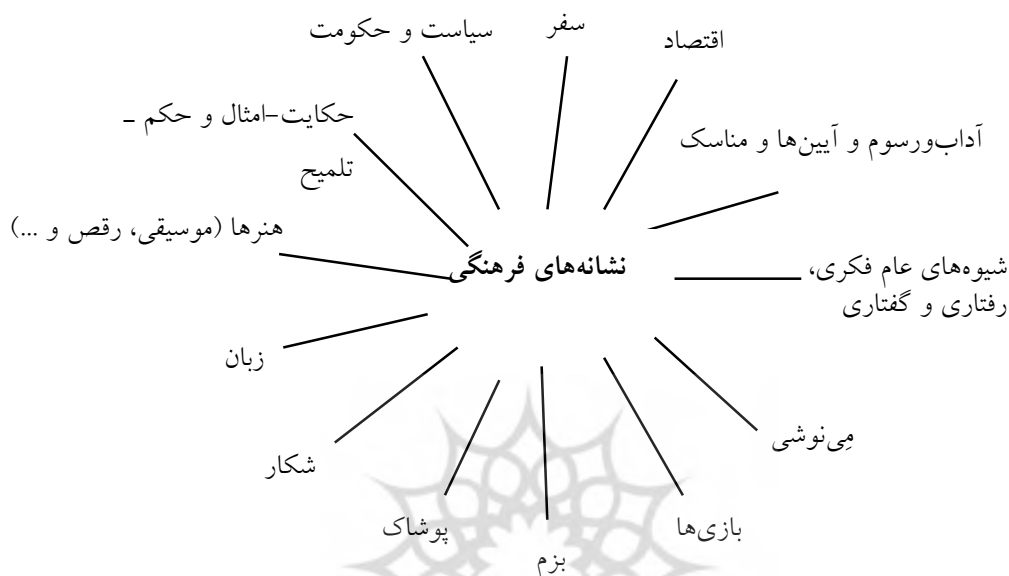
شیوه های خاص فکری، رفتاری، گفتاری



ب) نشانه‌های فرهنگی

مفهوم فرهنگ همواره با مفهوم جامعه همراه است و ارتباط تنگاتنگی میانشان وجود دارد. «فرهنگ، عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن‌ها پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها، آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۳۶). «در میان دگرگونی رفتار فرهنگی انسان، برخی ویژگی‌های مشترک وجود دارند. هرگاه که این ویژگی‌ها در همه، یا تقریباً همه‌ی جوامع یافت شوند ویژگی‌های عام فرهنگی نامیده می‌شوند» (همان: ۴۴). «هر رمزگان، نظامی از دانش است که امکان تولید و دریافت و تفسیر متون را ممکن می‌کند. بیشتر بافت بنیاد و فرهنگ بنیاد است. زبان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است، زیرا همه‌ی رمزگان دیگر، از جمله رمزگان آداب، پوشاک، غذا، اطوار و اشارات، نظام‌های حرکتی و فواصل و غیره، به واسطه‌ی زبان و از طریق انبوهی روایات و حکایت انباشته‌شده در فرهنگ قابل توصیف و بیان هستند» (سجودی،

۱۳۹۵: ۱۴۴). گونه‌های نشانه‌های فرهنگی حاضر در متون ادبی را در نمودار زیر مشاهده می‌کنیم.



ج) نشانه‌های آداب معاشرت

گونه‌ای از آداب و رسوم اجتماعی، نحوه آداب معاشرت اعضای یک جامعه است. آداب معاشرت، وسیله ارتباطی افراد جامعه با یکدیگر است که بر مبنای هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و شاخصه نوع رفتارهایی است که افراد جامعه در موقعیت‌های متفاوت از خود بروز می‌دهند. برقراری «روابط پایدار با روابط گذرای خاصی همراه می‌شوند که به تناسب افراد و موقعیت‌های گوناگون تغییر می‌کنند» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

ون مایک معتقد است کنش‌های غیر کلامی مانند ایما و اشارات، حرکات بدن و سر و چهره، میزان فواصل رعایت شده و رعایت نشده، نوع نگاه و خنده‌های ردوبدل شده، بخشی از رخدادهای ارتباطی است (ون مایک، ۱۳۸۹: ۲۵). از شاخصه‌های مهم در نشانه‌های

معاشرتی، لحن در شیوهی ارتباط است. لحن، ژرف ساختی است که در چگونگی شروع و پیشبرد رابطه‌ی معاشرتی مؤثر است و گزینش و چیدمان واژگان و جملات، آهنگ کلام و تمامی عناصر کلامی و غیر کلامی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. لحن بر آیندی از عناصر زبانی است و نشان‌دهنده‌ی موضع‌گیری گوینده نسبت به موقعیتی است که در آن قرار گرفته است (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۵۲۴-۵۲۱). نشانه‌های آداب معاشرت را می‌توان در نمودار زیر جمع‌بندی کرد:

لحن کلام (خودمانی، آمرانه، طنزآمیز، ملایم، خصمانه و ...)

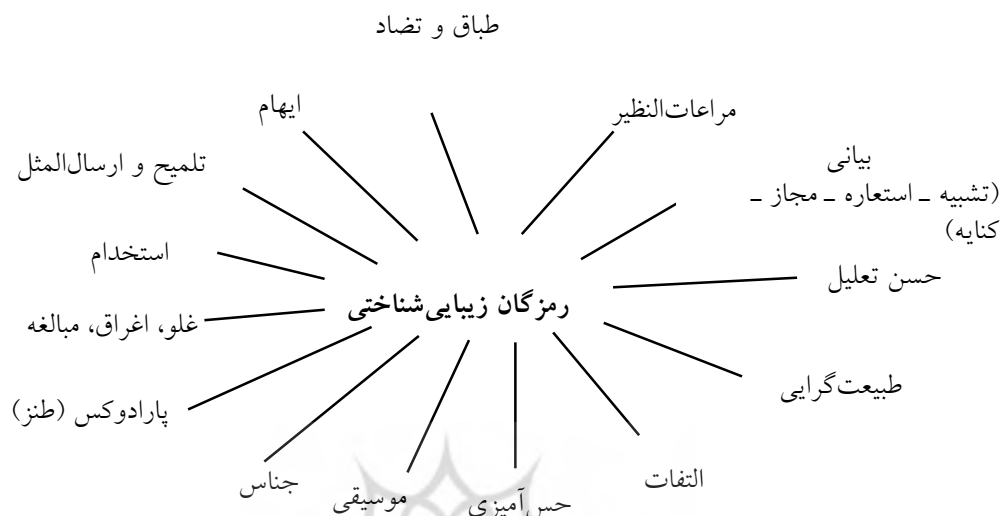


۲-۳. رمزگان متنی و تفسیری در متن ادبی

در مطالعه نشانه‌های کنشگر در یک متن ادبی، آن‌ها محدود به رمزگان اجتماعی نیستند و چنانچه خوانشگر خود را به این نشانه‌ها محدود کند، قابلیت‌های دیگر متن - که در فرایند معنا پردازی مؤثرند - را از دست می‌دهد. درحالی‌که نظام‌های نشانه‌ای دیگری در متن نقشی کنشگر دارند. از جمله این نظام‌های نشانه‌ای کنشگر، گفتمان ((discourse است. «گفتمان‌ها مجموعه‌هایی از اظهارنظرات نظام‌مند و سازمان‌یافته‌ای هستند که معانی و ارزش‌های نهادها را

تیین می‌کنند، بعلاوه، گفتن آنچه را ممکن و آنچه را غیرممکن است با توجه به موضوعات موردعلاقه‌ی نهاد موردنظر، چه به صورت حاشیه‌ای و چه به صورت محوری و مستقیم، تعریف، توصیف و تحدید می‌کند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۷). ایدئولوژی نیز می‌تواند در قالب رمزگان‌هایی که حامل معانی ضمنی و پنهان هستند در متون ظاهر شوند. چهارچوب رمزگان‌ها، به احضار نشانه‌هایی می‌انجامد که از آن‌ها برداشتی در ارتباط با رمزگان بلاغی می‌شود اما بافت متن و کنش‌های متقابل نشانه‌ای، ذهن خوانشگر را به پویایی و حرکت معنایی نشانه‌ی حاضر ارجاع می‌دهد و او را متوجه لایه‌های پنهانی و ایدئولوژیکی متن می‌کند. اکو ایدئولوژی را بستری رمزگانی می‌دانست که در آن معانی ضمنی و ثانویه را در فرایندی پردازشی از نشانه‌های کنشگر متن می‌توان دریافت و از این جهت، طبقه‌ی حاکم و صاحب قدرت جامعه می‌تواند ایدئولوژی موردنظر خود را غیرمستقیم و از طریق ادبیات و هنر در جامعه منتشر کند و گفتمان عمومی جامعه را به سمت ایدئولوژی منطبق با قدرت خود هدایت کند (رشیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

بعد دیگری از گفتمان که رابطه تنگاتنگی با تحلیل سبکی دارد، بعد رتوریک گفتمان است. از جمله ابزارهای ویژه‌ای که گفتمان را قانع‌کننده و محسوس و به یادماندنی‌تر می‌کند، صنایع بیانی است که می‌تواند سوگیری گفتمانی را با شیوه‌های بیانی و اغراق آمیز، به ساختار متن وارد کند. هم‌آیی ترفندها و آرایه‌های بدیعی و بیانی با مفاهیم گفتمانی، به متکامل‌تر شدن فرایند رمزگذاری و معنا پردازشی متن می‌انجامد. «... «فنون بلاغی» صرفاً آرایه‌های سبکی نیستند، بلکه از سازوکارهای شکل‌دهنده به گفتمان، به مفهوم کلی کلمه هستند. کلیت گفتمان به‌طور اجتناب‌ناپذیر، با استفاده از این ابزارهای بلاغی شکل می‌گیرد» (سجودی، ۱۳۹۵: ۵۳). رمزگان زیبایی‌شناختی را می‌توان در نمودار زیر نشان داد:



اکنون بر مبنای مباحث نظری طرح شده، به بحث و بررسی غزلی از خواجه‌ی کرمانی پرداخته می‌شود.

غزل ۷۵ حضریات - (خواجه‌ی کرمانی، ۱۳۹۱: ۱۸۴)

شعر با گرفتاری امام و بزرگ شهر به اشارات معشوق زیبارو آغاز می‌شود و تا بیت ۳ که شرح دربندی پرسونای شعری به عشق اوست، ادامه می‌یابد و در سه بیت بعدی به مضمون باده‌نوشی او می‌پردازد؛ و پس از آن باز به معشوق کینه‌جو برمی‌گردد و در پایان با یادی از اشعار لطیف خواجه‌ی پایان می‌پذیرد. غزل، مضامین عاشقانه، باده‌نوشی و اعتراض و وصف معشوق و توصیف حال خودش را در کنار هم دارد و حتی در بیت ۵ حامل رمزگان فلسفی است. وزن شعر به محتوای آن خوانشی کند و تأمل‌برانگیز می‌دهد اما فضای شعر، فضای غمگانه نیست.

ز عشق غمزه و ابرویی آن صنم پیوست
 جمال او در جنت به روی من بگشود
 کنون نشانه تیر ملامتم مکنید
 مرا چو مست بمیرم به هیچ آب مشوی
 برند دوش به دوشش به خوابگاه ابد
 به جام باده چراغ دلم منور کن
 در آن مصاف که چشم تو تیغ کینه کشید
 بود لطایف خواجهو بهار دلکش شوق
 امام شهر به محراب می‌رود سرمست
 خیال او گذر صبر بر دلم دربست
 که رفته است عنانم ز دست و تیر از شست
 مگر به جرعه دردی کشان باده پرست
 کسی که کرد صبحی به بزمگاه الست
 که شمع شادیم از تندباد غم بنشست
 بسا که زلف تو چشم دلاوران بشکست
 از آن چو شاخ گلش می‌برند دست به دست

وزن غزل: مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن بحر: جث مثنی مخبون محذوف

**بیت ۱) ز عشق غمزه و ابرویی آن صنم پیوست امام شهر به محراب می‌رود
 سرمست**

۴-۲. رمزگان

الف) هویتی: ۱- شیوه خاص گفتاری و رفتاری: غمزه و ابرویی صنم - امام شهر سرمست به محراب می‌رود ۲- دینی: امام شهر - محراب ۳- طبقه اجتماعی: امام شهر ۴- جنسیتی: غمزه و ابرو و صنم

۵- لقب: صنم ۶- مکان: محراب ۷- زمان: پیوست (پیوسته و همیشه)

ب) فرهنگی: ۱- شیوهی عام رفتاری (دلبری صنم و عشق زمینی) ۲- مناسک دینی (به محراب رفتن)

ج) آداب معاشرت: ۱- اطوار (غمزه و ابرو) ۲- لحن

د) زیبایی‌شناختی: ۱- تناسب: عشق، غمزه، ابرو، صنم، سرمست - امام شهر، محراب

۲- استعاره: صنم استعاره از معشوق زیبارو ۳- مبالغه: پیوسته سرمست بودن امام شهر

۴- پارادوکس: سرمست به محراب رفتن امام شهر ۵- موسیقی: واج آرای حروف «س ش م»

۵-۲. تحلیل رمزگان

الف) هویتی: بیت حامل مجموعه‌ای از رمزگان هویتی است که به پارادوکس منتهی شده است. امام شهر به لحاظ دینی و طبقه اجتماعی در تقابل با غمزه و ابرویی صنم باید قرار گیرد. اما گرفتار عشق این غمزه و ابروست و همواره از این گرفتاری، سرمستانه به محراب نماز می‌رود. این تصویری پارادوکسیکال است که علاوه بر طنز آمیز بودن، لایه‌ی غایی از اعتراض همراه دارد.

دسته‌ای از تقابل‌های نشانه‌ای در بیت وجود دارد که کنش همین تقابل‌ها، فضای پارادوکسی بیت را خلق کرده است. رمزگان جنسیتی «غمزه و ابرویی صنم» در تقابل با والایی مقام و جایگاه عشق و سرمستی است که از امام شهر انتظار می‌رود و این نوع مستانه به محراب رفتن او، سوژه تمسخر و اعتراض پرسونای شعری است.

صنم ↔ امام شهر
سرمستی ↔ محراب
غمزه و ابرو ↔ عشق

ب) رمزگان فرهنگی: با توجه به حضور تقابل صنم و امام شهر در بیت، تداعی تقابل در دو شیوه عام رفتاری به ذهن متبادر می‌شود. یکی شیوه عام و شناخته‌شده رفتار صنم و دیگری شیوه عام و شناخته‌شده رفتار امام شهر که باید به‌طور طبیعی و معمول در تقابل با یکدیگر باشند. اما نه تنها چنین نیست بلکه امام شهر دل در گرو صنم دارد؛ یعنی رمزگان فرهنگی نیز در تقابل با یکدیگرند و بر شدت فضای پارادوکسی بیت می‌افزایند. همچنین است به محراب رفتن امام شهر که نشانه‌ای از برگزاری مناسک دینی است که در این بیت، پرسونای شعر چگونگی برگزاری و بجا آوردن مناسک دینی امام شهر را زیر سؤال برده است.

ج) آداب معاشرت: به نوعی از اشارات و اطوار بطور مستقیم در بیت اشاره شده است، غمزه و ابرویی صنم. لحن برخاسته از واژگان، نشان از معاشرت صنم و امام شهر دارد که مورد تمسخر و اعتراض شاعر است.

د) زیبایی شناختی: انتخاب و هم‌آیی واژگان متناسب، پیوند و در هم تنیدگی مفاهیم و کنش آن‌ها را در محور هم‌نشینی تقویت می‌کند. همچنین مبالغه در توصیف پیوسته

سرمست بودن امام شهر و پارادوکس مستانه به محراب رفتن او بر شدت و تقویت بافت پارادوکسیکال بیت افزوده و آن را تقویت کرده است. موسیقی بیت که در آن تکرار حروف سایشی «س ش» و حرف «م» وارد کنش شده‌اند بر نشاط و ترنم بیت افزوده است.

بیت ۲) جمال او در جنت به سوی من بگشود خیال او گذر صبر بر دلم در بست رمزگان

الف) هویتی: ۱- شیوه خاص رفتاری (عاشق و معشوق) ۲- دینی: جنت و صبر ۳- جنسیتی: جمال و خیال او ۴- مکان: جنت

ب) فرهنگی: ۱- شیوه عام رفتاری (عاشقانه)

ج) آداب معاشرت: ۱- لحن

د) زیبایی‌شناختی: ۱- تناسب: جمال، جنت، روی، درگشودن - خیال، دل، صبر ۲- تضاد: درگشود و در بست

۳- تشخیص: جمال، خیال، گذر صبر ۴- اغراق در جایگاه معشوق

۴- موسیقی: سجع در «جمال او» و «خیال او» - واج آرایی «ج گ»

تحلیل رمزگان

الف) هویتی: دو ویژگی تجریدی «جمال و خیال» معشوق وارد کنش شده‌اند. گزینش این رمزگان در مقام فاعل و کنشگر، مبین جایگاه معشوق برای عاشق است و شیوه خاص رفتاری هریک را بر اساس هویتشان آشکار می‌کند. تقابلی که در جایگاه عاشق و معشوق است، چنین معادله‌ای را رقم می‌زند که جمال معشوق در بهشت را به سوی عاشق گشوده و داشتن خیال معشوق، عاشق را صبور می‌کند. این گزینش و ترکیب رمزگان ریشه در هویت آرمانی و دور از دسترس معشوق برای عاشق دارد. جمال معشوق، گشودن در بهشت است که مکانی آرمانی برای عاشق است و نشان از والایی جایگاه معشوق دارد و

داشتن خیال معشوق، عاشق را صبور می‌کند که نشان از دور از دسترس بودن معشوق دارد که شاعر به خیال بسنده می‌کند. مرجع «او»، همان صنم بیت یک است. پس جنسیت معشوق نیز در تقابل با جنسیت عاشق وارد کنش معنا پردازی شده است. همچنین رمزگان دینی جنت و صبر گرایش دینی پرسونای شعر را تبیین می‌کند.

(ب) فرهنگی: رمزگان گفتمان عاشقانه، رمزگانی متأثر از تاریخ و اجتماع ایرانی است که به شکل شیوه‌های عام رفتاری بروز یافته است. والا داشتن و دور از دسترس پنداری معشوق از شیوه‌های عام رفتاری در گفتمان عاشقانه است که در این بیت بر اساس این باورهای فرهنگی و اجتماعی رمزگان این نوع اندیشه برجسته‌سازی شده‌اند.

(ج) آداب معاشرت: بیت روایتی از هویت و فرهنگ عاشقانه است و بر همین اساس، تنها لحنی روایی و حسرت‌آمیز از میان رمزگان معاشرتی، کنشگر است و انتخاب و چیدمان واژگان و بافت و فضا را در برمی‌گیرد.

(د) زیبایی‌شناختی: انتخاب و هم‌آیی واژگان مبنای تناسب و درهم‌تنیدگی معنایی است. در این بیت کنش و بازی نشانه‌ها با جاندار پنداری مفاهیم تجریدی «جمال و خیال و صبر» وارد عمل شده‌اند و هنجارشکنی زبانی حاصل، معانی جدید و متکثری را خلق کرده است. همچنین اغراق در جایگاه و والایی معشوق، نیز نوعی برجسته‌سازی و گریز از هنجار است و بالأخره موسیقی میانی این بیت که با سجع و واج‌آرایی حروف «ج گ» متفاوت شده است.

بیت (۳) کنون نشانه تیر ملامتم مکنید که رفته است عنانم ز دست و تیر از شست رمزگان

(الف) هویتی: ۱ - شیوه خاص گفتاری: عنانم رفته ز دست و تیر از شست ۲ - مالکیت: عنانم از دست رفته

۳ - زمان: کنون

ب) فرهنگی: ۱- شیوه عام گفتاری و رفتاری (عاشقانه)

۲- رمزگان شکار و اسب‌سواری (نشانه، تیر، عنان)

ج) آداب معاشرت: ۱- شیوه ارتباطی گفتاری: نهی از ملامت (نشانه‌ی تیر ملامتم

مکنید) ۲- لحن

د) زیبایی‌شناختی: ۱- تناسب: نشانه، تیر، عنان - ملامت، عنان ز دست رفتن، تیر از شست

رفتن

۲- استعاره: نشانه استعاره از عاشق ۳- تشبیه بلیغ: تیر ملامت

۳- تشبیه بلیغ: تیر ملامت ۴- کنایه: عنانم ز دست رفته، تیرم ز شست رفته کنایه از

بی‌اختیاری و از خود بیخود شدن ۵- حسن تعلیل: ملامتم نکنید زیرا که ...

تحلیل رمزگان

الف) هویتی: بیت با رمزگان زمانی «کنون» آغاز می‌شود که با دیگر رمزگان هویتی که

شیوه خاص گفتاری پرسونای شعری است و مبین هویتِ اکنون اوست در یک راستا است.

مراحلی بر پرسوناژ گذشته و او به اکنون خود رسیده که از خود بیخود شدن و مالک و

اختیاردار عنان خود نبودن است و مخاطب و خوانشگر را از ملامت خود نهی می‌کند. این

شیوه خاص گفتاری، برخاسته از هویتِ کنونی اوست.

ب) فرهنگی: ادامه گفتمان عاشقانه‌ای است که از ابیات پیشین شکل گرفته و شیوه عام

گفتار و رفتار عاشقانه است. شاعر با به میان کشیدن و بهره گرفتن از شاخصه‌های فرهنگی

و رمزگان رایج و آشنای شکار و اسب‌سواری، بیانی نو از تبیین هویت خود دارد.

ج) آداب معاشرت: شیوه ارتباطی گفتاری پرسونای شعر در این بیت، نهی از ملامت است

که این شیوه و لحنی که او در پیش گرفته برخاسته از هویت عاشق/پرسونای شعری است.

لحنی که در آن ترحم و همدلی و همراهی مخاطب را طلب می‌کند.

(د) زیبایی‌شناختی: تمامی آرایه‌ها در جهت استحکام و انسجام متن است. تناسب واژگانی که در راستای تبیین هویت عاشق است و تشبیه بلیغ و استعاره حاضر در بیت هم‌راستا با همین تناسب است. همچنین کنایه بیت، بر استحکام معنایی آن افزوده و حضور آرایه حسن تعلیل نیز این چفت‌وبست واژگانی و معنایی را قوت بخشیده است.

بیت (۴) مرا چو مست بمیرم به هیچ آب مشوی مگر به جرعه دردی کشان باده-

پرست

رمزگان

(الف) هویتی: ۱- شیوه خاص رفتاری: مست مردن، به باده غسل دادن مرده

۲- هویت فرهنگی: پرسونای شعری به مراسم فرهنگی و دینی (در مورد مرگ) پای‌بند نیست.

(ب) فرهنگی: ۱- آداب و رسوم مرگ: به آب غسل دادن مرده ۲- باده‌نوشی

(ج) آداب معاشرت: ۱- شیوه ارتباطی گفتاری (وصیت) ۲- لحن

(د) زیبایی‌شناختی: ۱- تناسب: مست، جرعه، دردی کشان، باده‌پرست - مردن، به آب

شستن

۲- اغراق در هویت پرسونای شعری ۳- پارادوکس: غسل دادن مرده به باده بجای آب

۴- موسیقی: تتابع اضافات در مصراع دوم ۵- التفات

تحلیل رمزگان

(الف) هویتی: دو گونه از دسته رمزگان هویتی در این بیت حاضرند. شیوه خاص رفتاری

پرسونای شعری که شامل مردن او به مستی است که می‌خواهد چنانچه این اتفاق حادث

شد او را نه به آب که به «جرعه دردی کشان باده‌پرست» غسل دهند. شیوه‌ای غیرمعمول و

نامتعارف که به هویت و منش پرسونای شعری برمی‌گردد. از طرفی او پایبندی به مراسم و

آداب و رسوم دینی و فرهنگی مرگ را کنار می‌گذارد و هنجارها را در هم می‌شکند.

رفتاری که در تقابل با رفتارهای مرسوم و رایج اجتماعی است که آن‌هم برخاسته از هویت پرسونای شعری است.

فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های رایج جاهای مختلف انجام می‌گیرد. در این بیت شاعر به روشنی یکی از مرسومات فرهنگ پس از مرگ را در بیت آورده و می‌خواهد خلاف آن رفتار شود.

مرا چو مست بمیرم ... به هیچ آب مشوی ... مگر به جرعه‌ی دردی کشان باده‌پرست.
هنجارشکنی در پی هنجارشکنی آن‌هم در جامعه‌ی سرکوب‌شده‌ی عصر خواجه. تقابل‌ها و کنش‌های چالشی رمزگان در بین هویت هنجارشکن و سرکش و معترض پرسونای شعری است که در قالب هم‌آیی و چینش این واژگان معنا پردازی می‌کنند. او باده‌نوشی خود را آشکارا بیان می‌کند و آداب و رسوم دینی و فرهنگی رایج را پس می‌زند.

(ج) آداب معاشرت: شیوه‌ی ارتباطی پرسونای شعری، شیوه‌ی خاص گفتاری است که به‌نوعی می‌توان آن را وصیت شاعر قلمداد کرد. او از جمع مخاطبین خویش در ابیات پیشین سر می‌گرداند و با یک نفر که وصی اوست سخن می‌گوید و این وصی تا پایان غزل با پرسونای شعر می‌ماند. همچنین لحن غزل که با فعل نهی «مشوی» همراه است، به‌نوعی تعیین تکلیف وصی پس از مستانه‌ی مردن پرسونای شعری است.

(د) زیبایی‌شناختی: تناسب واژگان در دو مضمون باده‌نوشی و مرگ، به‌نوعی در هم تنیدگی و پیوستگی یافته‌اند که هدف پرسونای شعری را در تبیین هویت او تأمین می‌کنند و حتی با گونه‌ای اغراق‌آمیز از تبیین هویت در این هم‌نشینی واژگان مواجهیم. از طرفی پارادوکس غسل دادن مرده به باده بجای آب هم‌راستا با اغراق مستانه‌ی مردن، مخاطب را غافلگیر می‌کند. همچنین در بیت، تغییر مخاطب از جمعی به فردی اتفاق افتاده است. در ابیات پیشین پرسونای شعر با جماعتی از صنم و اوضاع خویش سخن می‌گفت. در این بیت با یک «تو» سخن می‌گوید و به او وصیت می‌کند و تا پایان شعر با او می‌ماند و در ابیات

بعدی هم از این وصی باده طلب می کند و هم برایش عاشقانه می سراید. گویی در این بیت ساقی و معشوق و وصی یکی شده اند و در جایگاه مخاطب پرسونای شعری قرار گرفته اند. موسیقی بیت نیز بر غافلگیری و تأمل انگیزی شعر افزوده است و تنابع اضافات در مصراع دوم علاوه بر انسجام لفظی، کندی و تأمل بیشتر در خوانش را برمی انگیزد.

بیت ۵) برند دوش به دوشش به خوابگاه ابد کسی که کرد صبحی به بزمگاه

الست

رمزگان

الف) هویتی: ۱ - شیوه خاص رفتاری کسی که به بزمگاه الست صبحی کرد را

دوش به دوش به خوابگاه ابد

بردن) ۲ - مکان: بزمگاه، خوابگاه ۳ - زمان: ابد و الست ۴ - عرفانی: الست، ابد، صبحی،

بزمگاه

ب) فرهنگی: ۱ - می نویسی: صبحی کرد ۲ - بزم

ج) آداب معاشرت: ۱ - شیوه ارتباطی رفتاری: دوش به دوش رفتن ۲ - لحن

د) زیبایی شناختی: ۱ - تناسب: خوابگاه، ابد، صبحی، بزمگاه الست ۲ - کنایه: دوش به دوش

بردن، کنایه از همراهی ۳ - موسیقی: واج آرایبی حروف «ب ش س»

تحلیل رمزگان

الف) هویتی: حضور دو واژه‌ی «الست و ابد» فضایی عرفانی و فلسفی به بیت می دهد. واژه -

ی الست تداعی گر پیمان روز الست است که پیش از آفرینش، نوع آدمی از میان دیگر

مخلوقات، امانت اسرار الهی را پذیرفت و خداوند پرسید: **اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟** و آدمی به

پروردگاری او شهادت داد و عهد و میثاقی در ازل میان خداوند و بندگان بسته شد که

ابدی خواهد بود و مایه‌ی سرمستی و سرخوشی او است (استعلامی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). رمزگان

عرفانی، زمانی و مکانی بیت، اشارات پرسونای شعری به پیمان روز الست است. او که در

بیت پیشین به هنجارشکنی زبانی و فکری و ادبی در دو مضمون باده نویسی و مرگ

دست‌زده است، در این بیت با یادآوری پیمان الست، به همراهی و دوش‌به‌دوشی عرشیان پس از مرگ امیدوار است که مهر و محبت الهی از بزنگاه روز الست تا خوابگاه ابدی با او خواهد بود. باور به این پیمان و تصویرسازی مبتنی بر آن، از هویت پرسونای شعری برمی‌خیزد.

ب) فرهنگی: رمزگان بزم و صبحی در شمار رمزگان فرهنگی‌اند؛ اما در این بیت با توجه به بافت و فضای عرفانی و فلسفی موجود، عملکرد این رمزگان در خدمت تبیین هویت پرسونای شعری است.

ج) آداب معاشرت: شیوه ارتباطی رفتاری تصویر شده که با ترکیب «برند دوش‌به‌دوش» در بیت حاضر شده است. این شیوه رفتاری تداعی‌گر تصویری از همراهی است. اما لحن روایی و فضای فلسفی و عرفانی بیت، فراتر از عملکرد ارتباطی است و نشان از عملکرد این رمزگان در سطح هویتی دارد.

د) زیبایی‌شناختی: تناسب واژگان در خدمت مضمون عرفانی و فلسفی بیت است. حتی کنایه «دوش‌به‌دوش بردن» نیز نشان از بر سر پیمان بودن ابدی دارد. موسیقی بیت که در آن بسامد بالای حرف «ب» را داریم که تلفظی لبی و انسدادی دارد و در متن با ایجاد سرعت، القای حرکت را به دنبال خواهد داشت و تکرار حروف «ش س» نرمی و ملایمت را با حرکت بیت می‌آمیزد و به آن پویایی رضایت‌مندانه می‌دهد.

**بیت ۶) به جام باده چراغ دلم منور کن که شمع شادیم از تندباد غم بنشست
رمزگان**

الف) هویتی: ۱- شیوه خاص رفتاری: منور کردن دل به باده در زدودن غم ۲- هویت فرهنگی: می‌نوشی

ب) فرهنگی: - شیوه عام رفتاری: شادمانی می‌نوشی

ج) آداب معاشرت: ۱- شیوه ارتباطی گفتاری: طلب باده ۲- لحن

د) زیبایی‌شناختی: ۱ - تناسب: جام، باده، شادی - چراغ، منور، شمع، تندباد ۲ - تضاد:

غم و شادی - نور و

خاموشی (بنشست) ۳ - تشبیه بلیغ: چراغ دل، شمع شادی، تندباد

غم ۴ - حسن تعلیل

۵ - موسیقی: واج آرایه حروف «م ش» و تکرار صدای بلند «آ»

تحلیل رمزگان

الف) هویتی: می‌نوشی به‌عنوان عادت‌ی رایج میان برخی از طبقات اجتماعی و آداب‌ورسوم

و اصطلاحاتی که همراه دارد به‌عنوان رفتاری تکرارپذیر، در گونه‌های هویت فرهنگی

جامعه می‌گنجد و در کسانی که تعلق به این رفتار هنجار شده دارند و در آن‌ها به شکل

یک شیوه خاص رفتاری درآمده است، می‌نوشی بخشی از هویت فردیشان را تشکیل می‌-

دهد. در این بیت انتخاب و چینش رمزگان مؤید آن است که می‌نوشی بخشی از هویت

فرهنگی و شیوه انتخابی و فردی پرسونای شعری است؛ زیرا او طلب باده می‌کند تا دل

غمگین خود را شاد کند. در لایه‌های غایب متن، هویت پرسونای شعری آشکار شده است.

ب) فرهنگی: باور رایج در پیامد شادی و شادمانگی در نوشیدن می، این باور را به

زیرمجموعه‌ای از باورهای فرهنگی جامعه بدل کرده است. لذا دریافت و درک آن، وقتی

در شعر شاعر می‌آید برای مخاطب مأنوس و آشناست و مؤید آن است که می‌نوشی یک

شیوه عام رفتاری برای شادمانگی است.

ج) آداب معاشرت: شیوه ارتباطی خاص پرسونای شعر و مخاطب در این بیت، «طلب کردن

می» است که با لحنی غمگانه ادا شده است و البته به‌طور ضمنی و از نحوه انتخاب و

چینش رمزگان و لحن بیت دریافت می‌شود.

د) زیبایی‌شناختی: آرایه‌های تناسب و تضاد و تشبیهات و حسن تعلیل که در بیت

کنشگرند در خدمت انسجام و پیوستگی معانی‌اند و استحکام آن را تقویت می‌کنند.

تکرار مصوت بلند «آ» بر تأمل برانگیزی بیت می‌افزاید و تکرار حرف «ش» در مصراع دوم به آن ملایمت می‌بخشد و بسامد «م»، بیت را زمزمه‌وار و خوشایند می‌کند.

بیت ۷) در آن مصاف که چشم تو تیغ کینه کشید بسا که زلف تو چشم دلاوران بشکست

رمزگان

الف) هویتی: ۱- شیوه خاص رفتاری (معشوق) ۲- جنسیتی: چشم و زلف و دلاوران

ب) فرهنگی: - شیوه عام گفتاری: کینه‌ورزی معشوق

ج) آداب معاشرت: - لحن

د) زیبایی‌شناختی: ۱- تناسب: مصاف، تیغ کشیدن، کینه، دلاور - چشم، زلف ۲ - تشبیه
بلیغ: تیغ کینه

۳- تشخیص: چشم و زلف ۴- اغراق ۵- موسیقی: واج آرایی حروف «چ غ ک» و «ش»

تحلیل رمزگان

الف) هویتی: یکی از تعابیر مرسوم و رایج از معشوق در شعر عراقی جنگجویی و خونریزی او است. عموماً تصویر شاهانه و مقتدر معشوق در تقابل با تصویر ستم‌پذیر و بندگی عاشق است و این ویژگی‌های شاهانه با خونریزی و کینه‌ورزی او در مقابل عاشق همراه شده است. در این بیت بانام بردن از چشم و زلف معشوق - که همواره عاشق آن را توصیف و ستایش می‌کند - در نمایی تهاجمی و جنگجویانه، به همین دو ویژگی معشوق پرداخته است. در مصافی میان معشوق و عشاقش، چشم او به کینه‌ورزی تیغ برکشیده و زلف او، چشم دلاوران را درهم‌شکسته است، نحوه انتخاب واژگان بافتی تهاجمی و جنگجویانه و مبارزه‌گرانه را تصویر کرده است که در ترکیب و عملکردی جهت تبیین هویت و تصویر معشوق به کار گرفته شده است.

ب) فرهنگی: در این بیت شیوهٔ عام گفتاری در تبیین هویت معشوق به کار گرفته شده است و این شیوه، تصویرسازی وجه جنگجو و خونریز معشوق است که ریشه در شرایط فرهنگی و اجتماعی زمانه دارد.

ج) آداب معاشرت: بافت و برآیند کنش واژگان و ترکیب آن‌ها، همچنان رمزگان مؤثر در لحن است که روایتی از جنگاوری و تقابل معشوق را در برابر عاشق به تصویر کشیده است.

د) زیبایی‌شناختی: آرایه‌های تناسب و تشبیه و تشخیص در پیوستگی ساختاری لفظ و معنا به کار گرفته شده‌اند و اغراق حاضر، با هنجار گریزی زبانی و ادبی، جایگاه و اقتدار معشوق را در برابر عاشق آشکار می‌کند. در موسیقی، هم‌آبی واج‌های پرسر و صدا و درشت «چ غ ک» با فضای تهاجمی بیت هماهنگ است و در مقابل، تکرار چندباره حرف «ش» تا حدی این درشتی را تقلیل داده است.

**بیت ۸) بود لطایف خواجه بهار دلکش شوق از آن چو شاخ گلش می‌برند
دست به دست**

رمزگان

الف) هویتی: - شیوهٔ خاص رفتاری: لطایف خواجه - شوق خواجه

ب) فرهنگی: - شیوهٔ عام رفتاری: دست به دست شدن لطایف خواجه

ج) آداب معاشرت: - لحن تحسین‌آمیز

د) زیبایی‌شناختی: ۱ - تناسب: لطایف، بهار، دلکش، شاخ گل، دست به دست ۲ - مجاز:

لطایف مجاز از

سروده‌های خواجه ۳ - تشبیه بلیغ: بهار شوق ۴ - تشبیه: لطایف خواجه مانند شاخ گل

دست به دست می‌شود. ۵ - حسن تعلیل ۶ - موسیقی: واج‌آرایی

حروف «آش»

تحلیل رمزگان

الف) هویتی: خواجه در این بیت از فضای شعر فاصله گرفته و به یادآوری لطایف اشعار خویش پرداخته است که برگرفته از شوق اوست. واژگان «لطایف و شوق» رمزگانی است که او در تبیین و توصیفی که از «خود» خواجه ارائه می‌دهد، در فرایند نشانگی بیت کنشگر است. تغییر ناگهانی و غافلگیرکننده مضمون و تعریفی که خواجه از اشعار و اشتیاق خود در این بیت آورده است، شیوه خاص رفتاری اوست که در تبیین هویت او نقش دارد.

ب) فرهنگی: ترکیب «لطایف خواجه... چو شاخ گلشن می‌برند دست‌به‌دست» نشان از عجین بودن مردم با شعر و لطایف آن دارد. در جریان بودن شعر در زندگی مردم جامعه، شاخصه‌ی فرهنگی آن جامعه تلقی می‌شود.

ج) آداب معاشرت: بیت فارغ از رمزگان ارتباطی گفتاری و رفتاری و اطوار است. اما لحن تحسین‌آمیز خواجه، برآیند انتخاب‌ها و ترکیباتی است که در ستایش شعر خود آورده است.

د) زیبایی‌شناختی: آرایه‌های حاضر در بیت در خدمت انسجام و استحکام معنا در این بیت است و بافت واژگانی آن، متفاوت از بافت واژگان در ابیات پیشین است. تناسب واژگان، مجاز، تشبیهات و حسن تعلیل در بیت استحکام عملکرد رمزگان را قوت بخشیده است و موسیقی بیت که واج‌آرایی مصوت بلند «آ» و تکرار حرف «ش»، ویژگی متفاوت آن است، موجب ملایمت و کندی بیت شده است.

بیت	هویتی	فرهنگی	آداب معاشرت	زیبایی‌شناختی
۱	شیوه خاص گفتاری و رفتاری، دینی، لقب، طبقه اجتماعی، جنسیتی، مکان	شیوه عام رفتاری - مناسک دینی	اطوار - لحن تمسخرآمیز و اعتراضی	تناسب، استعاره، اغراق، پارادوکس، موسیقی
۲	شیوه خاص رفتاری، دینی، جنسیتی، مکان	شیوه عام رفتاری	لحن وصفی و حسرت-آمیز	تناسب، تشخیص، اغراق، موسیقی
۳	شیوه خاص گفتاری، مالکیت، زمان	شیوه عام گفتاری و رفتاری شکار - اسب‌سواری	شیوهی ارتباطی گفتاری لحن نهی‌کننده و ترحم-انگیز	تناسب، استعاره، تشبیه بلیغ، کنایه، حسن تعلیل
۴	شیوه خاص رفتاری، هویت فرهنگی	آداب و رسوم، باده‌نوشی	شیوهی ارتباطی گفتاری - لحن آمرانه و وصیت-کننده	تناسب، اغراق، پارادوکس، التفات، موسیقی
۵	شیوه خاص رفتاری، مکان، زمان، عرفانی	می‌نوشی، بزم	شیوهی ارتباطی رفتاری - لحن روایی	تناسب، کنایه، موسیقی
۶	شیوه خاص رفتاری، هویت فرهنگی	شیوه عام رفتاری، باده-نوشی	شیوهی ارتباطی گفتاری - لحن غمگانه و طلبی	تناسب، تضاد، تشبیه بلیغ، حسن تعلیل، موسیقی
۷	شیوه خاص رفتاری، جنسیتی	شیوه عام گفتاری	لحن توصیفی و روایی	تناسب، تشبیه بلیغ، تشخیص، اغراق، موسیقی
۸	شیوه خاص رفتاری	شیوه عام رفتاری	لحن تحسین‌آمیز	تناسب، مجاز، تشبیه بلیغ، تشبیه، حسن تعلیل، موسیقی

۶-۲. ترکیب و جمع‌بندی

تمرکز موضوع این غزل در آشکارسازی و تبیین هویت است. بیشترین گونه رمزگان هویتی، گونه شیوه خاص رفتاری است که نشان‌دهنده انعکاس اندیشه و عملکرد پرسونای شعری از طریق این گونه از رمزگان است. شیوه خاص عملکردهاست که تعلق و عضویت در

گروه‌های اجتماعی و گرایش‌ها و رفتارهای اجتماعی را تعیین می‌کند. البته در این غزل رمزگان هویتی دیگری نیز به کار گرفته شده که شامل رمزگان دینی، جنسیتی، مکان و زمان، هویت فرهنگی، لقب و طبقه اجتماعی و رمزگان عرفانی است. تمام موارد ذکر شده در ارتباط با رمزگان خاص رفتاری و گفتاری و مبین انتساب هویت، به من شعری یا مخاطب یا شخصیت مورد بحث شعر است. سه بیت نخست در تبیین هویت فردی و اجتماعی عاشق و معشوق است که بافتی هم‌راستا با این منظور در غزل خلق شده است.

مخاطب، جماعتی است که پرسونای شعر از صنم با آن‌ها می‌گوید و در این گفتن‌ها، هم هویت معشوق و هم عاشق و هم امام شهر به گونه‌ای اعتراضی آشکار شده است. دیگر رمزگان اجتماعی و متنی غزل نیز در خدمت همین آشکارگی هویتی است. خصوصاً لحن که عاملی کنشگر و تعیین‌کننده است. بیت نخست آشکارا بابت دوم و سوم تفاوت دارد. در بیت نخست، صدای اعتراض من شعری هم به اشارات معشوق شنیده می‌شود و هم به سرمستی امام شهر. اما بلافاصله لحن آرام و روایی بیت دوم در تقابل بابت نخست، حال خوش عاشق را به تصویر می‌کشد. به همین ترتیب سه بیت دوم غزل که موضوع محوری آن «باده‌نوشی» است و حتی در بیت پنج، با همین محوریت نگاهی فلسفی به سرمستی ازلی و ابدی انسان دارد. مخاطب مستقیم من شعری از بیت چهار به بعد، معشوق است. در بیت هفت، مجدداً به توصیف معشوق می‌پردازد، اما چهره او در این بیت با ابیات نخستین متمایز است و تصویری جنگجویانه و خون‌ریز از او داده شده است و بالأخره در بیت پایانی، بی‌ارتباط به ابیات پیشین، خواجه از لطایف کلامش می‌گوید. واژه شوق رمز ارتباط این بیت با عاشقانه‌ها و سرمستی‌های ابیات پیشین است.

۳. نتیجه‌گیری

هم‌راستا با موضوع محوری و عاشقانه غزل، مضامین پرورنده و بسط‌دهنده‌ای به‌موازات یکدیگر، در تداعی معانی بررسی و مطالعه و بازنمایی‌های تصویری آن مشارکت می‌کنند.

از این رو ساختار نظام نشانه‌ای غزل، ساختاری منسجم و مستحکم است. شرح عواطف و احساسات و درونیات خواجه که برخاسته از هویت او است، غالب‌ترین و پربسامدترین رمزگان است که مضامین دیگر را در تبیین هویت خویش به کار گرفته است.

شاخصه‌ها و رمزگان فرهنگی با ایجاد در هم تنیدگی و انحلال در بافت و فضای خلق شده، نقش پیش برنده و راهبردی در زایش معنا به عهده می‌گیرند. از میان مؤلفه‌های آداب معاشرت، لحن پربسامدترین و حاضرترین شاخصه‌ی کنشگری است که علاوه بر تأثیرات و پیامدهایی که در صورت و محتوای غزل دارد، چنان توانمند عمل می‌کند که ناگزیر، مخاطب را به متن شعر می‌کشاند و او را در خلق معانی شریک می‌سازد.

علاوه بر رمزگان اجتماعی، رمزگان متنی و تفسیری نیز نقشی فعال دارند. صنایع و آرایه‌های به کار گرفته شده در غزل‌های خواجه فراتر از کارکردهای زیبایی‌شناختی خود عمل می‌کنند. هرچند ابزارهای بلاغی در شعر خواجه، مسیر هنجارشکنی‌های زبانی و ادبی و اندیشگانی را طی کرده و با ایماژها و تداعی معانی و موسیقی در کلام و معنا، نقش اصلی خود را در بستر شعر به تمامی بجا آورده است، اما این تمام ماجرا نیست. خواجه در به کارگیری صنایع بلاغی تنها به تصنع و تزئین اشعارش نپرداخته؛ بلکه از قابلیت‌ها و وسعت عملکردی آرایه‌ها و صنایع، در بسط و پرورش مضامین موردنظر خویش بهره گرفته است. رمزگان هویتی و فرهنگی و آداب معاشرت و رمزگان‌های تفسیری در بستر غنی و پرتفیت رمزگان زیبایی‌شناختی، مجال حضور در فرایندهای نشانه‌پردازی را یافته‌اند و این مهم، نشان‌دهنده‌ی آن است که خواجه بنا به مقتضیات کلامی و معنایی، از آرایه‌ها و صنایع در شعر خویش بهره گرفته است. جهان‌نگری و ایدئولوژی او به مدد ابزارهای بلاغی، جولانگاهی مستعد برای بروز و ظهور یافته است. خواجه با بهره‌گیری از سازوکارهای بلاغی، گفتمان‌ها را به متن غزل‌های خود کشانده است و احضار قالب گفتمانی خواجه، چهارچوب‌های ایدئولوژیک و جهان‌نگری‌های او را در متن سازمان‌دهی می‌کند و به آشکارسازی مواضع معرفتی و جهان‌بینی او منجر می‌شود.

از آنچه گفته شد می‌توان دریافت، تمرکز و بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ساختار نظام نشانه‌ای، می‌تواند در مقام روشی برای خوانش متون، زنجیره‌ی بی‌پایان خلق معانی متن را با ذهن مخاطب گره زند و دنیای نوینی از زایش و تکثر معنا را بیافریند؛ دنیایی که در گام نخست صاحب اثر با بهره‌مندی از همان قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ساختاری نظام نشانه‌ای، خلق آن را بنا نهاد و به میزان اندوخته‌های ذهنی و غنای فکری خویش، متنی را به‌جا گذاشت که خوانشگر آن نیز، به میزان ذخیره‌ی فکری و وسعت اندیشه‌ی خود، بر بسط و غنای آن خواهد افزود؛ اما پایانی بر این خلق و زایش معنا نیست.

منابع

- آقاگل‌زاده، ف. ۱۳۹۰. *تحلیل گفتمان انتقادی، تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- استعلامی، م. ۱۳۹۴. *درس حافظ، نقد و شرح غزل‌های حافظ*. ج ۱ و ۲. تهران: نشر سخن.
- خواجهی کرمانی، م. ۱۳۹۱. *کلیات اشعار خواجه کرمانی*. به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: نشر سنایی.
- چندلر، د. ۱۳۸۷. *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه‌ی مهدی پارسا. تهران: سوره مهر.
- رشیدی، ص. ۱۳۹۳. *مطالعات انتقادی، نظریه‌های انتقادی معاصر در نقد ادبیات و هنر*. تهران: نشر علم.
- سجودی، ف. ۱۳۹۵. *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: نشر علم.
- شعیری، ح. ۱۳۹۵. *نشانه‌شناسی ادبیات، نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی*. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- گیرو، پ. ۱۳۸۰. *نشانه‌شناسی*. ترجمه‌ی محمد نبوی. تهران: آگاه.
- گیدنز، آ. ۱۳۷۴. *جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- میر صادقی، ج. ۱۳۷۶. *عناصر داستان*. تهران: نشر سخن.
- نجومیان، ا. ۱۳۹۴. *نشانه در آستانه، جستارهایی در نشانه‌شناسی*. تهران: فرهنگ نشر نو.
۱۳۹۶. *نشانه‌شناسی، مقالات کلیدی*. تهران: نشر مروارید.
- ون‌دایک، ت. ۱۳۸۹. *مطالعاتی در تحلیل گفتمان، از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*. ترجمه‌ی پیروز ایزدی و شعبانعلی بهرام‌پور و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌های وزارت فرهنگ.

مقالات

سیف‌الدینی خالقی، ش؛ و چراتی، ع. ۱۳۹۴. «بازنمایی عوامل اجتماعی در اندیشهٔ خواجه‌ی کرمانی». همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی. تهران: مؤسسهٔ سفیران فرهنگی مبین. بابک معین، م. ۱۳۸۹. «نشانه‌شناسی اجتماعی و پدیده‌های امنیت و عدم امنیت نشانه‌ای». فصلنامهٔ اندیشه‌های ادبی. سال دوم. شماره ۵. پاییز. ۱۳۵-۱۳۵.

References

- Agha Golzadeh, F. ۱۳۹۰. Critical discourse analysis, the evolution of discourse analysis in linguistics. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Inquiry, m. ۱۳۹۴. Lesson of Hafez, critique and description of Hafez's lyric poems. ج ۱ و ۲. Tehran: Sokhan Publishing.
- Khajavi Kermani, M. ۱۳۹۱. General poems of Khajoo Kermani. Edited and corrected by Ahmad Soheili Khansari. Tehran: Sanaei Publishing.
- Chandler, d. ۱۳۸۷. Fundamentals of semiotics. Translated by Mehdi Parsa. Tehran: Surah Mehr.
- Rashidi, p. ۱۳۹۳. Critical Studies, Contemporary Critical Theories in Literary and Art Criticism. Tehran: Alam Publishing
- Sujudi, F. ۱۳۹۵. Applied semiotics. Tehran: Alam Publishing.
- Poetry, H. ۱۳۹۵. Semantic semantics of literature, theory and method of literary discourse analysis. Tehran: Tarbiat Modares University Scientific Works Publishing Center.
- Giro, p. ۱۳۸۰. Semiotics. Translated by Muhammad Nabavi. Tehran: Agah.
- Giddens, A.. ۱۳۷۴. Sociology. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Ney Publishing.
- Mir Sadeghi, J. ۱۳۷۶. Story elements. Tehran Publishing
- Nojomian, A. ۱۳۹۴. Signs on the Threshold, Queries in Semiotics. Tehran: New Publishing Culture

.۱۳۹۶ Semiotics, key articles. Tehran: Morvarid Publishing

.۱۳۸۹. Studies in discourse analysis, from text grammar to critical discourse. Translated by Pirooz Izadi and Shaban Ali Bahrapour and others. Tehran: Office of Media Studies and Development, Ministry of Culture.

articles

Seif al-Din Khaleqi, Sh; And Cherati, A. ۱۳۹۴. "Representation of social factors in Khajavi Kermani's thought". International Conference on Literary Research, Language and Cultural Communication. Tehran: Mobin Cultural Ambassadors Institute.

Babak Moin, M. ۱۳۸۹. "Social semiotics and the phenomena of security and insecurity." Quarterly Journal of Literary Thoughts. second year. No. ۵. Fall.

.۱۳۵-۱۵۳

